


جمهوری اسلامی ایران
قوه قضائیه
دیوان عالی کشور
اداره کل وحدت رویه و تشریف‌گرایی و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۴۹/۸-۲۲۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

" با دقت و تعمق در محتویات دو پرونده که یکی بحکم شماره ۱/۳/۲۹-۷۹۵/۴۱ شعبه پنجم و دیگری بحکم شماره ۴۵/۹/۲۹-۴۷۱ دو شعبه ششم دادگاه استان مرکز منتهی گردیده، چنین معلوم می شود که در هر دو دادخواست عنوان تقاضا این بوده است که چون برای مولی علیه درخواست کننده در اسناد سجلی او دو نام ذکر گردیده ولی او بیکی از این دو نام مشهور است و داشتن دو نام برای یک شخص مناسب نیست یکی از آن دو حذف شود و برای اثبات اینکه دارنده اسناد سجلی بنام مورد درخواست حذف شهرت ندارد بلکه فقط بنام دیگر مشهور است به شهادت شهودی که از این امر اطلاع دارند تمک گردیده و مؤدای شهادت شهود مذبور مبنی بر همین اظهار بوده و شعبه پنجم دادگاه استان در حکم خود به استناد ماده ۹۹۹ قانون مدنی مندرجات سند ولادت را با شهادت شهود قابل تغییر ندانسته و بر بطلان دعوى رأى داده، ولی شعبه ششم با استناد به گواهی گواهان و اشعار به اینکه مندرجات اسناد سجلی فقط در مورد تاریخ ولادت رسمی است، به دلالت گواهی گواهان این درخواست را موجه دانسته و بر حذف یکی از دو نام رأى داده است. گرچه استدلال شعبه ششم دادگاه استان در این مورد وجهه قانونی ندارد و متعاقب ماده ۹۹۹ قانون مدنی در ماده ۴۷ قانون اصلاح قانون سجل احوال مصوب سال ۱۳۱۹ تمام مندرجات دفاتر و اسناد سجلی که با تشریفات مقرر در آن قانون تنظیم گردیده است از اسناد رسمی شناخته شده، ولی نظر به اینکه به حکایت جریان کار معلوم می شود تقاضاکنندگان مندرجات اسناد سجلی را هنگام تنظیم آن صحیح دانسته و دعوى آنان مبنی بر مخدوش بودن آن اسناد نیست بلکه مورد درخواست آنان حذف یکی از دو نام مذکور در اسناد است که آنرا زائد و منافی با شهرت دارنده اسناد مذبور می دانند و این ادعا مخالف با مندرجات سند رسمی نیست تا بتوان مورد را مشول دو ماده ۹۹۹ و ۱۳۰۹ قانون مدنی دانست، درخواست مذبور موضوعاً از حدود منع آن دو ماده خارج و شهادت شهود در چنین مواردی قابل ترتیب اثر می باشد. این رأى بمحض ماده ۳ اضافی به قانون آیین دادرسی کیفری لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۴۹/۸/۱۳-۲۲۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"طبق ماده هفتم قانون مجازات مرتکبین قاچاق، در هر مورد که مرتکبین اعمالی که در حکم قاچاق است جرمیه مقرره و یا بهای مال از بین رفته را نپردازند، به تقاضای ادارات و مأمورین وصول عایدات دولت، در صورت وجود دلایل ارتکاب با قرار بازپرس مربوط توقيف می شوند و این قرار قطعی است و مادامی که جرمیه یا بهای مال از بین رفته را با موافقت اداره مربوطه تأمین ننموده یا حکم قطعی بر برائت آنها صادر نشده است در توقيف خواهد بود، لکن مدت توقيف آنها نباید در مقابل هر پنجاه ریال بدھی بیش از یکروز باشد و در هر حال از دو سال تجاوز نخواهد کرد و در این صورت طبق ماده دهم در غیر مورد ارفاق مذکور در ماده ۶ پرونده امر فقط برای تعیین کیفر حبس باید به دادسرا فرستاده شود. علیهذا چنان چه متهمی به موجب ماده هفتم قانون مجازات مرتکبین قاچاق به علت نپرداختن جرمیه یا بهای مال از بین رفته توقيف شده باشد، محاکومیت او به پرداخت جرمیه و قیمت مال از بین رفته برخلاف ماده دهم آن قانون می باشد. بدیهی است چنانچه متهم پس از توقيف به دادگاه شهرستان مراجعه کند در صورت محاکومیت، مقررات ماده ۸ قانون مذکور و تبصره آن درباره او اجرا خواهد شد. لذا آراء شعب ۸ و ۱۱ و ۱۲ دیوان عالی کشور مفاداً صحیح و منطبق با موازین قانونی است."

"این رأی طبق قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۴۹/۸/۲۰-۲۲۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"چون تحقق بزه افتراء در صورت اسناد صریح جرمی از طرف کسی به دیگری با سوء نیت متعلق به احراز کذب تهمت و عدم ثبوت عمل انتسابی در مراجع قضایی است، که با این وصف اسناد دهنده مفتری محسوب و به مجازات مقرر در قانون محکوم می شود، بنابراین شروع مرور زمان جرم افتراء طبعاً از تاریخ قطعیت عجز از اثبات اسناد و ثبوت کذب شکایت شاکی است نه صرف اعلام شکایت و اسناد بزه، لذا رأی شعبه هشتم دیوان عالی کشور نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی است."

"این رأی طبق قانون وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۴۹/۹/۱۹-۲۳۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"چون مراد از وضع ماده یک اضافه شده به قانون آینین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷، حمایت از حقوق مدعی خصوصی بوده است تا در صورتی که نتواند خسارت خود را وصول کند به درخواست وی محکوم علیه در ازاء هر ۵۰ ریال یک روز توقيف شود و استماع دعوی اعسار در قبال ضرر و زیان ناشی از جرم که مورد حکم دادگاه جزائی واقع شده مغایر با روح ماده مذبور است و نظر به اینکه ماده ۴۹۰ قانون آینین دادرسی کیفری در مقام بیان کلی قضیه و منصرف از این معنی است که مقتن خود حکم خاص در باب کیفیت اجرای این قبیل احکام به دست داده است، رأی شعبه دهم دادگاه استان مرکز مبین بر عدم استماع دعوی اعسار صحیح و مطابق با موازین قانونی است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۴۹/۱۰/۲-۲۳۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به ماده ۲۱ آیین نامه راهنمایی و رانندگی مصوب سال ۱۳۴۷ که به موجب آن هر کس بخواهد با هر نوع وسیله نقلیه موتوری و غیر موتوری رانندگی کند باید دارای گواهینامه رانندگی مربوط به آن وسیله نقلیه باشد و نظر به اینکه شرایط تحصیل پروانه پایه دو شخصی با پروانه پایه دو همگانی به شرح مندرج در شق ۴ و ۵ ماده ۲۲ آیین نامه با یکدیگر متفاوت است، بنابراین کسی که با پایه دو شخصی مبادرت به رانندگی با وسائل نقلیه عمومی نموده و مرتکب قتل غیرعمد شود، عمل او چون فاقد پروانه لازم بوده مشمول ماده دو قانون تشدید مجازات رانندگان است ورأی شعبه نهم دیوان عالی کشور در این زمینه صحیح و مطابق با موازین قانونی است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۰/۷/۱۰-۲۱۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"قانون تصفیه امور شکستگی مصوب ۱۳۱۸ ترتیب خاصی برای پرداخت دیون ورشکسته مقرر داشته و بستانکاران از ورشکسته را به پنج طبقه تقسیم و حق تقدم هر طبقه را بر طبقه دیگر تصریح نموده و ماده ۳۰ قانون مالیات بر درآمد مصوب ۱۳۳۵ راجع به وصول مالیات و جرائم آن از اموال و دارایی عموم مؤدیان، ناظر به اشخاص ورشکسته که وضع مالی آنها تابع قانون خاصی می باشد نبوده و آراء شعب پنجم و دهم دیوان عالی کشور که وزارت دارایی را در مورد وصول مالیات و جرائم متعلق به آن از بازرگان ورشکسته در طبقه پنجم و در ردیف سایر بستانکاران عادی شناخته صحیحاً صادر گردیده و به اکثریت آراء تأیید می شود.

این رأی بر طبق قانون وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۰/۹/۱۷-۲۹۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"چون ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی بموجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت از مداخله در کلیه اموال خود منوع است و مدعی خصوصی نیز در صورتیکه به اموال او دسترسی داشته باشد بواسطه اینکه دارائی ورشکسته متعلق به همه طلبکاران است حق مداخله نداشته و باید برای استیفاء حقوق خود به اداره تصفیه مراجعه نماید، مورد از شمول ماده یک الحاقی به آیین دادرسی کیفری خارج است و نمی توان ورشکسته را به استناد آن توقيف کرد، بنابراین تصمیم شعبه سی ام دادگاه جنحه تهران صحیح و مطابق با موازین قانونی است."

"این رأی بموجب ماده ۳ از مواد اضافه شده به آیین دادرسی کیفری برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۴/۳/۱۷-۱۳۵۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

" به موجب تبصره یک از ماده اول لایحه قانونی اصلاح قانون منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۳۸، حشیش در ردیف مواد افیونی و مخدر شناخته شده و طبق ماده ۴ قانون مذکور وارد کننده هریک از مواد مخدره منجمله حشیش به مجازات مقرر در آن ماده محکوم خواهد شد و به صراحت تبصره یک از ماده ۳۱ قانون امور گمرکی مصوب سال ۱۳۵۰ کالایی که مورد آن جرم شناخته شده تابع مقررات مذکور در آن ماده نیست و طبق قوانین مربوط نسبت به آن عمل خواهد شد. علیهذا وارد کردن حشیش به نحو متقلبانه و به مقدار زائد بر مصرف شخص مرتکب معتمد به داخل کشور از مصاديق ماده ۴ لایحه اصلاح قانون منع کشت خشخاش مصوب سال ۱۳۳۸ می باشد و در این مورد محکومیت وارد کننده طبق ماده ۷ قانون مذکور که ناظر به حمل و اخفاء مواد مخدره در داخل کشور است صحیح نیست و احکام شعبه اول و دوم و هشتم و حکم شماره ۶۰۷/۲۴-۶/۱۳۵۰ شعبه ششم دیوان عالی کشور را تأیید می نماید."

"این رأی طبق قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً کرات و آراء هیأت عمومی

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره گل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۵۱/۴/۷-۲۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"هرچند زیان دیده از جرم قانوناً مخیر است برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم به دادگاه حقوقی مراجعه نماید یا به تبع کیفرخواست دادستان، در دادگاهی که دعوی کیفری اقامه می شود دعوی ضرر و زیان را علیه متهم به ارتکاب جرم طرح کند، ولی طرز رسیدگی و اثر آن در دو مرجع مذکور از هرجهت یکسان نیست چه اینکه:

۱- دعوی مدنی در دادگاههای حقوقی در دو مرحله ماهیتاً رسیدگی می شود (مگر در موردی که حکم بدوى قطعی شناخته شده باشد) و حال آنکه این امر در دادگاههای جزایی لازم الرعایه نیست، کما اینکه در دادگاه جنائی خواسته دعوی ضرر و زیان به هر مبلغ که باشد در یک مرحله ماهیتی مورد رسیدگی و لحوق حکم قرار می گیرد.

۲- محکوم علیه می تواند از محکوم به احکام صادره از محاکم حقوقی از قانون اعسار استفاده کند و حال آنکه به موجب رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۱۳۵۰/۹/۱۷-۲۹۰ این حق از محکوم علیه جزایی سلب شده است و طبق ماده یک اضافه شده به قانون آینین دادرسی کیفری، چنانچه محکوم علیه جزایی محکوم به مالی را بپردازد و دسترسی به اموال او هم نباشد در قبال هر پانصد ریال یکروز بازداشت می شود که حداقل مدت آن از پنج سال تجاوز نخواهد کرد.

بنابراین مراقب فوچ و اشکالاتی که در عمل ممکن است با آن مواجه گردد، مقررات ماده ۵۲۲ قانون آینین دادرسی مدنی راجع به نصاب فرجامخواهی که مخصوص احکام مدنی می باشد در مورد احکام ضرر و زیان ناشی از جرم که محاکم جزائی صادر می کنند قابل اجرا نیست، لذا رأی شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور مورد تأیید می باشد."

این رأی طبق قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۱/۸/۴۲-۴۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه شخصیت حقوقی شرکت تجاری از مدیران بكلی مجزا و امکان برکناری مدیر شرکت همیشه موجود است و همین که منافع عین مستأجره به شرکتی واگذار شد، مستأجر شرکت است با مدیر آن، بنابراین هرگاه در سند اجاره حق انتقال بغیر جزئیاً یا کلاً از مستأجر سلب شده و او مورد اجاره را به شرکتی ولو خود مدیر آن باشد واگذار نماید، انتقال بغیر تحقق یافته و نظر شعبه ۳۹ دادگاه شهرستان تهران در این زمینه صحیح و مطابق با اصول و موازین قانونی است."

"این رأی به موجب ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری، برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۱/۸/۱۰-۴۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه شرط تحقق بزه مشمول ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد و املاک، قابلیت تعارض دو معامله یا تعهد نسبت به یک مال می باشد و در نقاطی که ثبت رسمی اسناد مربوط به عقود و معاملات اموال غیرمنقول به موجب بند اول ماده ۴۷ قانون مذبور اجباری باشد، سند عادی راجع به معامله آن اموال طبق ماده ۴۸ همان قانون در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نشده و قابلیت تعارض با سند رسمی نخواهد داشت، بنابراین چنانچه کسی در این قبیل نقاط با وجود اجباری بودن ثبت رسمی اسناد قبلًا معامله ای نسبت به مال غیر منقول بوسیله سند عادی انجام دهد و سپس به موجب سند رسمی معامله ای معارض با معامله اول در مورد همان مال واقع سازد، عمل او از مصاديق ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد نخواهد بود بلکه ممکن است بر فرض احراز سوء نیت با ماده کیفری دیگری قابل انطباق باشد."

"این رأی طبق قانون وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۱/۱۰/۱۳-۵۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه از ماده ۲۹۱ قانون امور حسبي که پذيرفته شدن وصيت نامه عادي را مشروط به تصديق اشخاص ذينفع در تركه دانسته است، لزوم تأييد كلیه ورثه استفاده نمی شود و عدم تصديق بعضی از وراث مانع نفوذ و اعمال وصيت در سهم وراثی که آنرا قبول کرده اند نمی باشد و ماده ۸۳۲ قانون مدنی نيز مؤيد اين معنی است و بر طبق مواد ۱۲۷۵ و ۱۲۷۸ قانون مدنی، اقرار هر کس نسبت به خود آن شخص نافذ و مؤثر است و ملزم به اقرار خود خواهد بود، رأی شعبه دهم دیوان عالی کشور که وصيت نامه عادي را در سهم وراثی که آنرا تصديق کرده اند نافذ دانسته، صحیحاً صادر شده است."

"این رأی بموجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتبع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۱/۱۱/۶۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"هرچند مطابق مقررات قانون تجارت هر تاجر مکلف به دارا بودن دفاتر تجاری است که در قانون مذکور توصیف شده و آن دفاتر باید پلمپ شده باشد و تخلف از این امر مستلزم پرداخت جزای نقدی است و طبق مقررات آیین دادرسی مدنی هرگاه یکی از طرفین به دفاتر بازرگانی طرف دیگر استناد نماید آن دفاتر جز در موارد استثناء شده باید در دادگاه ابراز شود و هر بازرگانی که به دفاتر او استناد شده از ابراز دفاتر خود امتناع نماید دادگاه می تواند آنرا از جمله دلایل مثبته تلقی نماید، اما از مفهوم ماده ۳۰۲ آیین دادرسی مدنی که به دادگاه این اختیار را تفویض نموده استفاده نمی شود که در هر مورد ولو دعوی متکی به دلایل و مدارک معتبر و اوضاع و احوال دیگر باشد بصرف اینکه دفاتر تجاری ارائه نشده دادگاه این امر را دلیل مثبت اظهار طرف قراردادهد بلکه در موارد عدم ابراز دفاتر تجاری به دادگاه اختیار داده شده که در مقام تشخیص حق و بررسی به دلایل و اوضاع و احوال موجود در پرونده، هرگاه عدم ابراز دفاتر را مؤثر در مقام دانست آن وقت آنرا از جمله دلائل مثبته اظهار طرف تلقی نماید. در دو پرونده مورد بحث که هر دو مشابه، ولی آراء آن معارض با یکدیگر می باشد، چون رأی شعبه پنجم دیوان عالی کشور در جهت همین نظری است که فوق ذکر شده و رسیدگی به دلایل دیگر را لازم دانسته، رأی مذبور نتیجتاً صحیح بنظر می رسد و تأیید می شود."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۵۱/۱۲-۶۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه قانون آیین دادرسی مدنی در چندین مورد به موجب ماده واحد مصوب نهم آذرماه ۱۳۴۹ اصلاح شده و از آن جمله در ماده ۲۰۲ اصلاحی مقرر گردیده که قرار عدم صلاحیت اعم از ذاتی و نسبی صادر می کند مکلف است که پرونده را با رونوشتی از قرار به مرجعی که صالح تشخیص داده ارسال دارد و در ماده ۵۲۴ اصلاحی که ملاک قابل فرجام بودن بعضی از قرارها می باشد قرار عدم صلاحیت که در ماده ۵۲۴ سابق از جمله قرارهای قابل فرجام شناخته شده بود حذف گردیده و با توجه به اینکه در شق ۸۰ ماده واحد مذکور ماده ای به قانون آیین دادرسی مدنی الحق شده که بند ب این ماده آراء صادره را از حیث قابلیت اعتراض و پژوهش و فرجام تابع قانون مجری در زمان صدور آن دانسته و در بند ج همین ماده که در واقع بیان استثناء از حکم کلی مندرج در بند ب می باشد تصریح گردیده که (نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از اجرای این قانون از دادگاهها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی پژوهشی یا فرجامی است بترتیب مقرر در این قانون عمل می شود بنابراین در مرحله فرجامی نسبت به این قبیل قرارها ضمن اعلام غیرقابل طرح بودن آنها باید پرونده به مرجعی که در قرار فرجامخواسته صالح تشخیص داده شده است ارسال گردد)."

"این رأی طبق قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور در مورد مشابه لازم الاتباع می باشد."



رأی شماره : ۱۳۵۱/۱۲/۹-۶۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه ماده ۱۳۷ اصلاحیه لایحه قانونی استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۹/۸/۱۲ ناظر به وضع مستخدمین غیر رسمی و افرادی است که طبق قوانین خاص خود کارگر شناخته شده و در تاریخ ۱۳۴۵/۳/۳۱ به مشاغل غیر کارگری اشتغال داشته و مقرر داشته که نامبردها در صورت وجود شرایط لازم به مستخدم رسمی تبدیل شوند و این دستور شامل حال کارگرانی هم که در تاریخ ۱۳۴۵/۳/۳۱ (تاریخ تصویب لایحه قانونی استخدام کشوری) در مؤسسه دولتی انحصار دخانیات ایران به مشاغل غیر کارگری داشته اند می گردد و چنانچه به موجب اساسنامه شهریورماه ۱۳۴۷ مقرر گردیده که دخانیات ایران به صورت شرکت اداره شود این امر تسری به ما قبل نداشته و نمی تواند لطمہ ای به حقوق مکتبه این قبیل کارگران وارد سازد و مؤید این نظر و به منظور رعایت همین حق بوده که ماده ۱۸ اساسنامه شرکت دخانیات ایران تبدیل وضع آن دسته از مستخدمین غیر رسمی را که قبل از تاریخ تصویب اساسنامه مذکور استحقاق تبدیل وضع به مستخدم رسمی را داشته اند تجویز نموده است، فلذا دادنامه های شماره ۳۴۱ و ۱۳۵۱/۳/۲۲-۴۳۲ و ۱۳۵۱/۴/۱۷-۴۵۷ دادگاه تجدیدنظر و همچنین ارائه اخیر شعبه هفت دیوان عالی کشور که بر بنای استحقاق این قبیل کارگران برای تبدیل وضع آنان به مستخدم رسمی و نتیجه ورود شکایت آنان صادر گردیده مورد تأیید می باشد."

"این رأی طبق قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۱/۱۲/۱۶-۷۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه در فهرست مواد افیونی و مخدره، هریک از این مواد من جمله شیره ترباک و تربیاک جداگانه تعریف و توصیف شده است و بند هـ از قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرائم مندرج در قانون اصلاح منع کشت خشکاش مصوب تیرماه ۱۳۴۸ منحصراً ناظر به چهار ماده ترباک و مرفین و هروئین و کوکائین می باشد و حکم این قانون به سایر مواد مذکور در فهرست مواد افیونی و مخدر قابل تسری به نظر نمی رسد، لذا رویه شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور تأیید می شود."

"این رأی طبق قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای تمام محاکم و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۵۲/۳/۲-۲۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"ماده ۱۶ قرارداد تنظیمی بین آستان قدس رضوی و شرکت سهامی بیمه ایران شعبه مشهد مورخ ۱۳۳۷/۱۰/۱۲ کارمندان رسمی دولت را که بتوانند از حقوق تقاعده استفاده کشوند نمایند از شمول مقررات بیمه بازنیستگی قرارداد موصوف مستثنی نموده که بطور اعم شامل کلیه کارمندان رسمی دولت که در موقع تنظیم قرارداد از حقوق تقاعده کشوند استفاده می کرده و یا بعداً استفاده نمایند می شود و رأی شعبه پنجم دیوان عالی کشور که در همین زمینه صادر گردیده صحیح است."

"این رأی طبق قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعبه دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۲/۳۰-۳۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"با توجه به ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری، که به موجب آن برای اختلافاتی که در مسأله صلاحیت فیما بین محاکم حاصل می شود موافق مواد قوانین محاکمات حقوقی عمل می شود و التفات به ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی انتزاع محل وقوع بزه از حوزه قضایی دادگاهی که در حال رسیدگی است موجب نفی صلاحیت از آن دادگاه نمی باشد.

این رأی طبق ماده سوم از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۵۲/۳/۲۹-۳۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"چکی که از حساب مسدود صادر شده است موضوعاً از شمول ماده ۳ قانون صدور چک مصوب خرداد ۱۳۴۴ خارج نیست، زیرا بر حسب مدلول ماده مذبور چک بلا محل اعم است از اینکه معادل وجه چک صادر کننده محل از نقد و اعتبار در بانک محال علیه نداشته و یا چک از حساب مسدود صادر شده و یا چک به علی دیگر از قبیل خط خورده‌گی متن یا نقص امضاء قبل پرداخت نباشد، بنابراین رأی شعبه‌دوم دیوان عالی کشور در این زمینه صحیح و منطبق با موازین قانونی است."

"این رأی بموجب قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۵۲/۳/۲۹-۳۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"استنباط شعبه چهارم دادگاه استان ششم از ماده یک قانون ملی شدن جنگلها مصوب سال ۱۳۴۱ و ماده ۵۵ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها مصوب سال ۱۳۴۸ که در نتیجه بدون اجرای مفاد ماده ۵۶ تخریب جنگل (تجاوز به منابع ملی شده) را قابل تعقیب دانسته اند با اصول و مقررات وفق نمی دهد، زیرا مطابق صریح ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها مصوب سال ۱۳۴۸ تشخیص منابع ملی شده بعهده وزارت منابع طبیعی محول و ترتیب اعتراض اشخاص ذینفع در ظرف مدت معین پس از اخطار کتبی یا آگهی و همچنین ترتیب رسیدگی به اعتراضات وارد معین گردیده است، بنابراین در مورد ماده ۵۵ مرقوم تعقیب جزائی در صورتی مجاز خواهد بود که مقررات ماده ۵۶ از حیث تشخیص منابع ملی اجرا شده باشد و به همین لحاظ هیأت عمومی دیوان عالی کشور تصمیم شعبه اول و دوم دادگاه استان ششم که اجرای ماده ۵۶ را لازم دانسته اند صحیح می داند."

"این رأی به دستور ماده ۳ اضافه شده به آیین دادرسی کیفری باید از طرف دادگاهها در مورد مشابه پیروی شود."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۲/۷/۵-۵۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه عده ای از کارمندان اداره انحصار دخانیات قبل از وضع قانون استخدام کشوری مصوب سال ۱۳۴۵ برای اثبات استحقاق خود به دریافت حق کارگاهی که در قانون نحوه استخدام مهندسین و تکنیسین ها مصوب دی ماه ۱۳۳۸ پیش بینی شده است، به مرجع صالح وقت (دیوان عالی کشور) مراجعه کرده اند و از هیأت تجدیدنظر استخدامی رأی بر استحقاق آنان صادر شده است و بنا به صراحت ماده ۵ آیین نامه رسیدگی به شکایات مستخدمین رسمی مصوب دی ماه ۱۳۴۵ هرگاه شکایت شاکی قبلًا در مرجع قانونی رسیدگی و منتهی به صدور حکم شده باشد قابل رسیدگی مجدد در شورای سازمان امور اداری و استخدامی کشور نخواهد بود، رأی شعبه پنجم دیوان عالی کشور در این زمینه صحیح و مطابق با موازین قانونی است."

"این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۲/۷/۲۵-۵۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه طبق مواد ۹ و ۱۴ آیین دادرسی کیفری و اصل کلی، شخصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده می‌تواند به تبع ادعای دادستان مطالبه ضرر و زیان نماید و هرگاه دادگاه جزا متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است به دادخواست تاوانخواه که با رعایت تشریفات مقرر تقدیم شده رسیدگی و ضمن صدور حکم جزایی حکم ضرر و زیان وی را نیز با عنایت به دلایل موجود صادر نماید، لذا در نظایر موضوع که مداخله متهم در منازعه ثابت و مورد لحقوق حکم قرار گرفته، دادگاه نمی‌تواند به این استدلال که مرتكب جرح یا ضرب معلوم نیست و تاوانخواه خود از جمله مجرمین قضیه می‌باشد دعوا خصوصی را رد نماید، بنابر ادب با اکثریت آراء دادنامه صادر از شعبه ششم دیوان عالی کشور در این خصوص تأیید می‌شود.

این رأی طبق قانون وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۲/۸/۱۶-۵۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"چون مواد ۵۴، ۵۵ و ۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی که مرجع حل اختلاف را مجلسی مرکب از ۷ نفر در شعبه اول دیوان عالی کشور قرار داده است، در مبحث سوم زیر عنوان ترتیب حل اختلاف بین دادگاههای دادگستری و مراجع غیر دادگستری درج گردیده است، بنابراین منظور مقنن رفع اختلاف حاصل بین دادگاه دادگستری و مرجع غیر دادگستری بطور کلی می باشد و از توجه به مجموع مواد قانون شورای داوری و حدود صلاحیت قانونی آن که شامل قسمتی از دعاوی مربوط به دادگاه بخش بوده و تحت نظارت قانونی و مستقیم دادگاه شهرستان بعمل می آید و تصمیمات شورای مذبور بوسیله مأمورین اجرا و ضابطین دادگستری بموقع اجرا گذارده می شود، لذا شورای داوری یکی از مراجع دادگستری است و رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور مبنی بر اعلام صلاحیت دادگاه شهرستان در حل اختلاف صلاحیت بین شورای داوری و دادگاه بخش طبق ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی قانونی بوده تأیید می شود."

"این رأی طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری از طرف دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۵۲/۱۱/۳-۸۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه به موجب ماده ۸ قانون مجازات مرتكبین قاچاق، کسی که جریمه از او گرفته شده یا برای وصول آن بازداشت شده می تواند در صورتیکه منکر ارتکاب قاچاق باشد تا ۱۰ روز پس از پرداخت جریمه یا ۱۰ روز از تاریخ بازداشت با رعایت مسافت قانونی به دادگاه دادگستری مراجعه نماید، بنابراین اگر متهم ظرف ۱۰ روز از تاریخ بازداشت به دادگاه مراجعه نکند ولی بعداً جریمه را پرداخته و بخواهد از حقی که به موجب ماده ۸ به او داده شده استفاده نماید رسیدگی دادگاه به شکایت مذبور بلاشکال است و رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که در همین زمینه صادر شده صحیح و مطابق با موازین قانونی است."

"این رأی به موجب قانون وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۷/۳/۱۵-۵۳/۱۳۵۳

بسمه تعالی

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۳ قانون جزای عمومی مصوب خردادماه ۱۳۵۲ در مقام تعریف جزای نقدی نسبی می‌گوید: (جزای نقدی نسبی آن است که میزان آن براساس واحد یامبنای خاص قانونی احتساب می‌گردد) و چون جزای نقدی نسبی که به موجب ماده ۴۲ اصلاحی مصوب ۲۰ فروردین ۱۴۸۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع برای بریدن یا ریشه‌کن کردن و یا سوزاندن نهال جنگلی تعیین گردیده بر مبنای مأخذ حداکثر ۵۰ ریال هر نهال می‌باشد و به موجب مواد ۱۲ و ۹ قانون جزا مصوب خرداد ۱۳۵۲، مطلق جزای نقدی حداکثر تا ۵۰۰۰ ریال کیفر خلافی و از ۵۰۰۱ ریال به بالا یفرجنه‌ای شناخته شده اعم از اینکه جزای نقدی در قانون نسبی باشد و یا ثابت، ملاک تشخیص خلافی و جنحه‌ای بودن جرم قطع یا ریشه‌کن کردن و یا سوزاندن نهال جنگلی در مورد هر جرم علیحده تجاوز و یا عدم تجاوز حداکثر مجموع مبلغ جزای نقدی نسبی خواهد بود که بر اساس حداکثر ۵۰ ریال واحد محاسبه جزای نقدی نسبی مصريح در ماده ۴۲ اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع از طرف دادگاه قانوناً قابلیت تعیین دارد. این رأی به موجب ماده ۳ الحقیقی به آئین دادرسی کیفری و در حد پیش‌بینی شده ضمن قانون وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ لازم الاتباع خواهد بود.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۵۳/۳/۱۵-۲۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"چون در ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده تصریح شده که تصمیم دادگاه در مورد صدور گواهی عدم امکان سازش بین زوجین، تعیین ایام عدد و هزینه نگاهداری اطفال (حضرات اطفال) حق ملاقات پدر یا مادر یا اقربای طبقه اول غایب یا متوفی با طفل یا اطفال و همچنین اجازه مقرر در ماده ۱۴ آن قانون قطعی است و در سایر موارد فقط پژوهش پذیر می باشد، بنابراین در صورتیکه دادگاه تصمیم بر رد درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش بین زوجین اتخاذ کند تصمیم مذبور مشمول هیچ یک از شقوق پنجگانه فوق الاشعار نبوده و قابل پژوهش خواهد بود."

"این رأی به موجب ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۳/۳/۱۵-۲۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"با توجه به مدلول ماده ۴۶ اصلاحی قانون مجازات عمومی مصوب خردادماه ۵۲ که در آن ترتیب تخفیف در مجازاتها معلوم گردیده ذکری از تخفیف مجازات اقامت اجباری نشده و ماده ۱۶ قانون مذبور که به صورت سابق تصویب گردیده در مقام همان مدت اقامت اجباری است تأثیر در مجازات مذکور در تبصره ذیل ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی ندارد، لذا رأی شماره ۱۱۶۶ - ۱۳۵۲/۸/۱۳ شعبه ۱۶ دادگاه استان به اتفاق آراء مرجح شناخته می شود. این رأی طبق ماده ۳ از مواد اضافی به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاهها لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۵۳/۳/۱۵-۲۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه ادعای خواهان مبنی بر عدم تعلق شناسنامه موجود به وی مورد قبول اداره آمار نبوده و به همین جهت برای ابطال آن ناچار به مراجعته به دادگاه شده است، دعوى عنواناً اختلاف در اسناد سجلی است و بر طبق ماده ۴۴ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۹ رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم دادگستری می باشد، لذا رأی شعبه سوم دادگاه استان خراسان که دادگستری را صالح تشخیص داده صحیحأ صادر شده است."

"این رأی به موجب ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای دادگاه ها لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۳۴ - ۱۳۵۳/۳/۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چکی که از حساب مسدود صادر شده است موضوعاً از شمول ماده ۳ قانون صدور چک مصوب خرداد ۱۳۴۴ خارج نیست زیرا بر حسب مدلول ماده مذبور چک بلا محل اعم است از اینکه معادل وجه چک صادر کننده محل از نقد و اعتبار در بانک محال عليه نداشته و با چک از حساب مسدود صادر شده و یا چک به علی دیگر از قبیل خط خوردگی متن یا نقص امضاء قابل پرداخت نباشد، بنابراین رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور در این زمینه صحیح و مطابق با موازین قانونی است. این رأی به موجب قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۳۵ - ۱۳۵۳/۳/۲۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

استنبط شعبه چهارم دادگاه استان ششم از ماده ۱ قانون ملی شدن جنگلها مصوب سال ۱۴ و ماده ۵۵ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها مصوب سال ۱۳۴۸ که در نتیجه بدون اجرای مفاد ماده ۵۶ تخریب جنگل (تجاوز به منابع ملی شده) را قابل تعقیب دانسته اند با اصول و مقررات قانون وفق نمی دهد زیرا مطابق صریح ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها مصوب سال ۱۳۴۸ تشخیص منابع ملی شده به عهده وزارت منابع طبیعی محول و ترتیب اعتراض اشخاص ذینفع در ظرف مدت معین پس از اخطار کتبی یا آگهی و همچنین ترتیب رسیدگی به اعتراضات وارد معین گردیده است، بنابراین در مورد ماده ۵۵ مرقوم تعقیب جزائی در صورتی مجاز خواهد بود که مقررات ماده ۵۶ از حیث تشخیص منابع ملی شده اجرا شده باشد و به همین لحاظ هیأت عمومی دیوان عالی کشور تصمیم شعبه اول و دوم دادگاه استان ششم که اجرای ماده ۵۶ را لازم دانسته اند صحیح می دانند. این رأی به دستور ماده ۳ اضافه شده به آئین دادرسی کیفری باید از طرف دادگاهها در مورد مشابه پیروی شود.

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

جمهوری اسلامی ایران
قوه قضائیه
دیوان عالی کشور
اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۵۳/۹/۴-۷۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه ماده یک قانون روابط مالک و مستأجر صراحت دارد بر اینکه (هر محلی که برای پیشه و کسب و تجارت یا سکنی تا به حال اجاره داده شده یا بعداً اجاره داده شود مشمول مقررات این قانون خواهد بود) و به موجب ماده ۲۶، کلیه مقررات و قوانینی که با مفاد این قانون مغایر باشد ملغی گردیده و قوانین مذبور فقط در مواردی که از شمول این قانون خارج است اعتبار دارد و با التفات به اینکه تبصره یک ماده ۲۳ در مواردی خاص مقررات قانون روابط مالک و مستأجر را حتی به احکام قطعی که هنوز اجرا نگردیده تسری داده است و با توجه به مفاد ماده ۵۶ آین دادرسی مدنی که مقرر می دارد احکام و قرارها باید اساساً طبق قانونی که در زمان صدور آن لازم العمل است صادر گردد، بنا بجهات مذکور قانون روابط مالک و مستأجر در نقاطی که در تاریخ صدور این رأی لازم العمل باشد به کلیه دعاوی که قبلًا طرح شده و در جریان است نیز تسری خواهد داشت."

"این رأی طبق قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ لازم الرعایه خواهد بود."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۳/۹/۴-۷۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

۱- وظایفی که قانون در باب اعلام حجر مجنون یا سفیه به عهده دادستان محول کرده است منافی با اینکه اشخاص ذینفع در صورت اقتضاء برای اثبات حجر به دادگاه مراجعه کنند نیست.

۲- فوت کسی که درخواست حجر او شده مانع رسیدگی دادگاه نمی باشد، زیرا آثاری که بر حجر مترتب است با فوت محجور از بین نمی رود و دادگاه علی الاصول باید رسیدگی را به طرفیت وراث ادامه داده و حکم مقتضی صادر نماید."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره: ۱۳۵۳/۹/۲۰ - ۸۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به ماده ۱۳۷ اصلاحی قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۹/۸/۱۲ که مقرر داشته مستخدمین غیر رسمی و افرادی که طبق قوانین خاص خود کارگر شناخته شده و در تاریخ ۱۳۴۵/۲/۳۱ به مشاغل غیر کارگری اشتغال داشته اند با رعایت شرایطی به مستخدم رسمی تبدیل شوند و نظر به اینکه حکم ماده مذبور عمومیت دارد لهذا شامل کارگرانی هم که در تاریخ ۱۳۴۵/۲/۳۱ تاریخ تصویب آن قانون در سازمان بنادر و کشتیرانی اشتغال به مشاغل غیر کارگری داشته اند می گردد، اعم از اینکه در مقررات استخدامی سازمان مذکور تصریحی به تجویز تبدیل وضع آنان به رسمی شده یا نشده باشد و هر چند مواد ۱ و ۲ قانون اختیارات مالی و استخدامی سازمان بنادر و کشتیرانی و تشکیل کادر بنادر و گمرکات که به موجب آن سازمان مذبور از شمول قانون استخدام کشوری خارج گردیده قبل از اصلاح ماده ۱۳۷ تصویب شده است، این امر نمی تواند مؤثر در حقوق مکتبه این کارگران باشد، فلذا رأی شماره ۱۳۵۱/۶/۷-۶۳۴ شعبه هفتم دیوان عالی کشور که بر استحقاق تبدیل وضع این قبیل مستخدمین به رسمی صادر گردیده مورد تأیید می باشد."

"این رأی طبق قانون وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۵۳/۹/۳۰-۸۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه مطابق ماده ۱۷۴ اصلاحی قانون آیین دادرسی مدنی، محاکوم علیه غایب پس از ابلاغ حکم غیابی می‌تواند دادخواست پژوهشی به مرتع رسانیدگی پژوهشی تقدیم کند و استثنائی که مقتن به موجب همین ماده راجع به احکام غیابی صادر در دعاوی که خواسته آن بیش از بیست هزار ریال نیست قائل شده و آنها را قابل اعتراض در دادگاه شناخته، بدان جهت است که اینگونه احکام به موجب ماده ۴۷۶ آیین دادرسی مدنی اصولاً قابل رسیدگی پژوهشی نمی‌باشد و وقتی احکام از این قبیل که دادگاه شهرستان به قائم مقامی دادگاه محل صادر می‌کند قابل اعتراض شناخته شده است بطريق اولی احکام غیابی صادر از دادگاه بخش در دعاوی مزبور قابل اعتراض در آن دادگاه خواهد بود و رأی شعبه ۱۷ دادگاه بخش در این زمینه صحیح و مطابق با موازین قانونی است. "

"این رأی به موجب ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است. "

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره ۱۳۵۳/۱۰/۴-۹۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه پرداخت وجه برات با پول خارجی بنا به مدلول ماده ۲۵۲ قانون تجارت تجویز شده است و مطابق قسمت آخر بند ج ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور پرداخت تعهدات با ارز با رعایت مقررات ارزی مجاز می باشد و نظر به بند یک ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی راجع به ارزیابی خواسته در مورد پول رایج ایران و پول خارجی تخصیص دادن ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی به دعاوی که خواسته آن پول رایج ایران است صحیح نیست و عبارت وجه نقد مذکور در این ماده اعم است از پول رایج ایران و پول خارجی و بنابراین مقررات فصل سوم قانون مذبور در باب خسارت تأخیر تأدیه شامل دعاوی نیز که خواسته آن پول خارجی است می شود و رأی شعبه پنجم دیوان عالی کشور در این زمینه صحیح و مطابق با موازین قانونی است."

"این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۵۳/۱۰/۴-۹۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"در صورتی که مستخدم دولت با استعفاء از خدمت اداری به خدمت قضایی منصوب گردد، ولو اینکه مدت خدمت وظیفه او در دستگاه اداری برای ارتقاء به پایه بالاتر منظور شده باشد، احتساب آن در ترفیع قضایی اشکالی ندارد، زیرا حکم تبصره ۲ از ماده ۲ متمم قانون ۱۲ آذر و دی ۱۳۲۳ محدود به زمان و محل و نوع معینی از خدمت نیست و شامل مستخدمین اداری که پس از استعفاء مانند سایر افراد واجد شرایط به خدمت قضایی منصوب می‌شوند نیز می‌گردد."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۵۲/۱۰/۴-۹۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"ماده ۲۴ لایحه قانون استخدام کشوری در توضیح حالات مختلفه استخدامی و ماده ۱۲۵ این قانون راجع به احضار حین خدمت، هیچ یک مسقط حق ثابت مستخدمین طبق تبصره ۲ از ماده ۲ متمم قانون دو دوازدهم آذر و دی ماه ۱۳۲۳ نیست، زیرا تبصره مذبور مقرر می‌دارد (مدت خدمت وظیفه کلیه کارمندان به طور کلی جزء سابقه و برای ارتقاء آنها محسوب می‌شود) و این تبصره در مقام اجراء با مادتين فوق الذکر و مقررات دیگر لایحه قانونی استخدام کشوری مغایرت ندارد، بنابراین رأی تجدیدنظر دائر به قبول احتساب مدت خدمت وظیفه انجام شده قبل از استخدام صحیح است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۰۶ - ۱۳۵۳/۱۱/۱۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظریه اینکه ماده ۱۱ قانون تشدید مجازات رانندگان ناظر به تعیین کیفیات مشدده مجازاتهایی است که موضوع مادتین ۳ و ۴ آن قانون می‌باشد و متضمن تعیین جرم جداگانه نیست، بنابراین ایراد صدمه بدنی موضوع ماده ۴ قانون تشدید مجازات رانندگان با جهات مقرر در ماده ۱۱ قانون مذکور نیز قابل گذشت خواهد بود.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۵۳/۱۲/۱۲-۱۱۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"لزوم اخذ عوارض در کشتارگاه‌های کشور قبل از کشتار دامها که در ماده ۵ تصویب‌نامه مورخ ۱۳۴۳/۷/۱۰ هیأت وزیران قید گردیده و در تبصره ۶۰ ماده واحده قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۴۳ ادامه اجراء آن تصویب‌نامه پیش‌بینی شده و مقررات تصویب‌نامه مذبور در ماده ۱۵ مکرر قانون اصلاح قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها مصوب فروردین ۱۳۴۸ نیز مندرج است، قانوناً مانع از آن نیست که عوارض مذبور در صورتی که قبلًا در کشتارگاه‌ها وصول نشده باشد بعداً مورد مطالبه قرار گیرد، بنابراین اقامه دعوى مدنی برای مطالبه این قبیل عوارض که جزء مطالبات دولت محسوب می‌گردد منع قانونی ندارد."

این نظریه به موجب قانون وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتّباع می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۴/۲۹/۱۳۵۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۷۱ قانون آئین دادرسی کیفری ناظریه شکایت از قرارهای بازپرس می‌باشد وقابل تسری به تصمیم دادگاه اطفال نیست، مضافاً به اینکه طبق شق ۲ ماده مذکور قرار منع تعقیب صادره از طرف بازپرس وقتی قابل شکایت است که به موافقت دادستان رسیده باشد در صورتی که در جرائم اطفال پس از صدور قرار منع تعقیب جلب نظر دادستان پیش بینی نشده است، به علاوه حسب مستنبط از ماده ۱۶ و ۲۰ و ۲۱ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار تصمیمات صادره از طرف دادگاه مذکور فقط در موارد منصوص در قانون قابل شکایت است و قرار منع تعقیب در عدد تصمیمات قابل شکایت احصاء نشده است، بنابراین قطعی و غیرقابل اعتراض می‌باشد. این رأی به موجب قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۴/۳/۱۲-۱۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

از ملاحظه قانون تشکیل دادگاه اطفال معلوم می شود کیفیت تشکیل دادگاه و تشریفات رسیدگی مورد توجه خاص مقنن بوده تا حدی که رعایت مقررات این قانون به موجب ماده ۱ وقتی هم که دادگاه جنحه به قائم مقامی دادگاه اطفال رسیدگی می کند تأکید شده است و تصریح در ماده ۱۶ به اینکه رسیدگی به جرائم اطفال تابع قانون آئین دادرسی نیست به منظور رعایت همین مقررات بوده است و از جمله این مقررات ماده ۳ قانون مذبور می باشد که صراحت دارد در مورد جنایات، دادگاه اطفال از قاضی آن دادگاه و دونفر مشاور که شرایط و ترتیب تعیین آنان پیش بینی شده است تشکیل می گردد، بنابراین رسیدگی دادگاه جنحه به قائم مقامی دادگاه اطفال در مورد جنایت، بدون شرکت دادن مشاوران برخلاف منظور و مصراحت قانون مذبور است و در این صورت حکم آن دادگاه در مرحله بعدی اعتبار قانونی نخواهد داشت. این رأی به دستور ماده ۳ اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ از طرف دادگاهها باید در موارد مشابه پیروی شود.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۴/۷/۱۶-۲۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه افتادن یک دندان عرفاً نقص عضو تلقی نمی‌گردد، لذا با وجود گذشت شاکی خصوصی، مورد مشمول بندیک تبصره ۲ ماده یک قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آئین دادرسی کیفری عمومی مصوب دوم بهمن ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و دو شمسی بوده و قابل گذشت می‌باشد. این رأی به استناد ماده سوم از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۵۴/۷/۲۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"با توجه به تعریفی که از کارمندان در ماده ۳ قانون نیروهای مسلح بعمل آمده و اطلاق کارمند به همراهیان و غیر نظامیان در ماده ۵ همان قانون مسلم است که نظر مقتن از ذکر کلمه کارمندان در ماده ۷۹ قانون مذکور مطلق آنها بوده، علیهذا همانطور که در رأی شعبه هفتم دیوان عالی کشور استدلال شده است حصر کلمه کارمند به همراهی در مورد استفاده از حق مذکور در ماده ۷۹ صحیح نمی باشد."

"این رأی طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاتباع است"

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۵۴/۱۳ - ۴۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون کیفر هریک از دخالت‌کنندگان در بزه ایراد ضرب و جرح واقع در غیرمورد منازعه بدون اینکه مرتكب اصلی معلوم باشد، بر حسب قسمت اخیر ماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر عمومی، بطور کلی به دو ماده ۱۷۲ و ۱۷۳ آن قانون معطوف گردیده و مطابق بند ۱ تبصره ۲ ماده اول قانون تسریع دادرسی مصوب دوم بهمن ماه ۱۳۵۲ ضرب و جرح مشمول آن قسمت از ماده ۱۷۲ قانون کیفر عمومی که ناظر به شکستن عضو می‌باشد بدون اینکه منتهی به نقص عضو گردد از جمله بزه‌های قابل گذشت شناخته شده است، بنابراین چنانچه در اثر ضرب و جرح مشمول ماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر عمومی شکستگی عضو حادث شود ولی منتهی به نقص عضو نگردد گذشت شاکی خصوصی موجب موقوفی تعقیب کیفر متهم خواهد بود. این رأی به موجب قانون وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۵/۳/۱۰-۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"با توجه به ماده اول قانون روابط مالک و مستأجر و تبصره آن و با اتخاذ ملاک از مادتین ۵ و ۲۰ قانون مزبور، مستأجری که با استفاده از حق واگذاری بغیر قسمتی از مورد اجاره را به دیگری واگذار نماید دیگر بعد از انقضاء مدت اجاره مالک منافع قسمتی که واگذار گردیده نیست و تصرفی هم در این قسمت برای او باقی نمانده تا بتواند تخلیه یا تعدیل اجاره بهای آن را از مستأجر جدید بخواهد. در چنین موردی رابطه حقوقی مستأجر سابق نسبت به قسمتی که واگذار گردیده قطع شده و بین مستأجر جدید و مالک رابطه استیجاری برقرار گردیده است."

"این رأی طبق ماده ۳ قانون اضافه شده به آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ در موارد مشابه برای دادگاه ها لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۵/۷/۲۱-۱۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"بطوریکه از اطلاق و عموم ماده ۲۶۲ قانون کیفر عمومی مستفاد می گردد، ارتکاب اعمال مذکور در آن ماده در صور تیکه مقرون به قصد اضرار و یا جلب منافع غیرمجاز با سوء نیت باشد، قابل تعقیب و مجازات است، هرچند مالکیت اموال موضوع جرم مشمول ماده فوق بطور اشتراک و اشاعه باشد."

"این رأی طبق ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۵۵/۱۱/۲۰-۲۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه به موجب ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی، مقررات تکرار جرم نسبت به کسانی قابل اعمال است که از تاریخ قطعیت حکم مجازات قبلی تا زمان اعاده حیثیت یا حصول مرور زمان مرتکب جنحه یا جنایت جدیدی شوند و با توجه به اینکه در ماده ۵۷ قانون مذکور سلب حیثیت و اعاده آن فقط در مورد جرائم عمدى مقرر شده است، نتیجتاً محکومیت به جرائم غیرعمدى از نظر اینکه سالب حیثیت نبوده و زمان اعاده حیثیت ندارد از شمول مقررات مربوط به تکرار جرم خواهد بود، بنابراین رأی شعبه ۱۱ مبنی بر اینکه محکومیت قبلی متهم به ارتکاب جرم غیرعمدى موجب اعمال مقررات تکرار جرم در تعیین مجازات جرم بعدی نیست موجه بنظر می رسد."

"این رأی طبق ماده واحده قانون مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۵۶/۷/۱۰-۵۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"چون اختیار دادگاه بر حسب پیشنهاد دادستان مجری حکم راجع به تقلیل مدت یا موقوف الاجراء نمودن تمام یا قسمتی از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی یا اقدامات تأمینی به شرح و کیفیات مندرج در تبصره ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب ۱۳۵۲ محدود به همان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی است که در تبصره مذبور به آنها اشاره شده، لذا محرومیت از حق رانندگی از شمول تبصره ماده ۱۹ قانون مذکور در فوق خارج بوده و موجبی برای موقوف الاجراء ماندن مجازات مذبور نمی‌باشد."

"این رأی طبق ماده ۳ اضافی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۶/۷/۱۰-۹۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه طبق ماده یک قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ هر محلی که برای سکنی یا کسب و پیشه اجاره داده شده نیز مشمول آن قانون می باشد و به موجب ماده ۳۲ از تاریخ اجرای قانون مذبور، قانون روابط مالک و مستأجر مصوب ۱۳۳۹ ملغی و منسوخ است، بنابراین ماده ۴ قانون روابط مؤجر و مستأجر شامل دعاوی که قبل از تصویب این قانون طرح شده و در جریان رسیدگی است نیز خواهد بود."

"این رأی طبق مقررات قانونی لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۱۳-۱۱/۲۴-۱۳۵۶

بسم الله تعالى

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"بند نهم ماده ۱۴ قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ که تأخیر مستأجر در پرداخت قسط یا اقساط عقب افتاده مال الاجاره یا اجرت المثل را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطار دفتر خانه تنظیم کننده سند اجاره یا اظهارنامه، از جمله موارد درخواست صدور حکم تخلیه مورد اجاره قرار داده است، ناظر به دادخواستها و تخلیه که قبل از اجرای آن قانون و به ادعای خودداری مستأجر از پرداخت قسط و یا اقساط عقب افتاده اجرت المسمی یا اجرت المثل ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ اخطار دفتر استناد رسمی و با استناد به شق ۷ ماده ۸ قانون روابط مالک و مسأجر مصوب ۱۳۳۹ شمسی تقدیم شده است نمی باشد، بنابراین در اینگونه دعاوی شرط تخلف مقرر در شق ۷ ماده ۸ قانون اخیر الذکر لازم الرعایه خواهد بود."

"این رأی طبق قسمت اخیر سوم در موارد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ شمسی از طرف دادگاه ها در موارد مشابه باید پیروی شود."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۱۵ - ۱۳۵۶/۱۲/۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

" مقررات مذکور در قسمت دوم ماده ۵ قانون مجازات متخلفین از قانون نظام صنفی مبنی بر ارسال پرونده به دادگاه و تعیین مجازات براساس ماده ۲ قانون مزبور و تعطیل قطعی محل کسب منحصرأ ناظر به مواردی است که در واحد صنفی ارزاق و سایر کالاهای مصرفی روزانه عموم عرضه شده باشد. این رأی طبق قانون وحدت رویه قضائی مصوب سال ۱۳۲۸ شمسی در موارد مشابه لازم الاتباع است. "

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۵۶/۱۲/۲۰-۱۱۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"مراد از عبارت شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی مذکور در ماده ۴ قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب مرداد ماه ۱۳۵۶، بنا به احلاق و عموم عبارت مذبور و نظر باينكه مطلق نيز منصرف به فرد اکمل است، شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی درمناطق شهری ایران است نه شاخص هر شهر، بنابراین نظر شعبه هفتم دادگاه شهرستان تهران مبني بر اينكه شاخص کل کشور ملاک محاسبه و تعديل اجاره بها قرار گرفته صحیح است."

"این رأی طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



شماره ردیف : ۱۳۵۸/۴/۲۵-۱۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه آیین نامه مربوط به رانندگان آتش نشانی و کارданهای فنی که بر اساس ماده ۸۲ لایحه قانونی شهرداری مصوب ۱۳۳۱/۸/۱۱ تصویب شده است، پس از الغاء لایحه قانونی مذبور فسخ نشده و در لایحه قانونی مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ هم مقرراتی که موجب فسخ ضمنی آیین نامه مذبور باشد وضع نگردیده است، رأی شعبه هفتم دیوان عالی کشور در باب لازم الاجراء بودن آیین نامه مورد بحث صحیح و مطابق با موازین قانونی است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: (ر) ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ - ۲۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

منظور از جرائم و محکومیتهای قتل عمدى که به موجب تبصره ۲ ماده واحده لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزائی مصوب ۱۳۵۸/۶/۱۳ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران از شمول مقررات آن قانون مستثنی گردیده، جرائمی است که به مرحله انجام رسیده و منتهی به فوت مجنی عليه شده باشد، بنابراین جرائم و محکومیتهای کسانی که شروع به اجرای جرائم مذکور نموده و قصد ارتکابشان به واسطه موانع خارجی که اراده آنان در آنها مدخلیت نداشته معلق و بی اثر مانده و جنایت منظور واقع نشده است در صورتی که مشمول ماده واحده باشد جزو مستثنیات تبصره مذبور محسوب نبوده و از تعقیب و مجازات معاف خواهد بود. این رأی برطبق ماده واحده مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور ودادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی ردیف: ۱۳۵۸/۴/۲۵-۳۷ و ۲۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"ماده ۱۳۷ اصلاحی از قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۹/۸/۱۲ بصراحت گروه یک را به مستخدمین جزء که عملاً متصدی مشاغل خدمتگزاری جزء یا مشاغل نظیر خدمتگزاری جزء می‌باشند تخصیص داده است و چون مستخدمین جزء که در عمل و بای نحو کان بخدمات دفتری اشتغال داشته اند در تبدیل وضع و تقسیم به گروه‌ها خارج از موضوع و حکم ماده قانونی فوق قرار می‌گیرند و با توجه به مفهوم مخالف ماده مذبور ملحوظ داشتن ارزش خدمات دفتری مستخدمین مذبور و جایگزین کردن آنها در گروه دو مصاب و موجه است و لذا رأی شماره ۷۶۰-۱۳۵۰/۱۱/۱۲ شعبه هفتم دیوان عالی کشور مورد تأیید می‌باشد."

"این رأی طبق قانون وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۸/۴/۲۵-۶۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"به موجب تبصره ۴ ماده ۵ قانون بودجه سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ مجلس شورای ملی و همچنین قانون بودجه سال ۱۳۳۸ کل کشور مقرر شده است که حقوق و مزایای کارکنان اداره روزنامه رسمی کشور که به وزارت دادگستری انتقال می یابند، در مورد کارمندان کماکان طبق مقررات و قوانین استخدامی و بازنیستگی کارمندان مجلس شورای ملی و درباره خدمتگزاران جزء و کارگران مطابق آیین نامه های مجلس شورای ملی تثبیت و به موقع اجرا گذارده خواهد شد و از عبارات ماده سوم قانون بودجه سال ۱۳۴۴ مجلس شورای ملی به اینکه (قوانین و مقررات استخدامی که برای کارمندان مجلس شورای ملی به تصویب بررسد شامل کارمندان و خدمتگزاران که از خدمت مجلس انتقال یافته اند نخواهد بود) چنین استنباط می گردد که قوانین و مقررات استخدامی که قبل از این تاریخ برای کارکنان مجلس شورای ملی به تصویب رسیده است شامل کارمندانی هم می شود که از مجلس شورای ملی انتقال یافته اند، بنابراین کارمندانی که در اجراء تبصره ۴ ماده ۵ قانون بودجه سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ مجلس شورای ملی و همچنین تبصره ۱۹ قانون بودجه کل کشور به وزارت دادگستری منتقل شده اند می توانند از مقررات اضافه حقوق و مزایای کارکنان مجلس شورای ملی که تا تاریخ تصویب ماده سوم قانون بودجه سال ۱۳۴۴ مجلس شورای ملی به تصویب رسیده است استفاده کنند."

"به موجب قانون وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۳۸ این رأی برای شعب دیوان کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۵۱ - ۱۳۵۸/۱۱/۱۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"مستفاد از لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان کیفری مصوب ۱۳۵۸/۶/۱۳ شورای عالی انقلاب اسلامی ایران بزه معاونت در قتل نیز از جمله مستثنیات این لایحه قانونی است و بالنتیجه حکم شعبه اول دیوان عالی کشور صحیح است."

"این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ برای دادگاه ها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۵۸/۱۱/۱۷-۵۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"منظور از جرائم و محکومیتهای قتل عمدی که به موجب تبصره ۲ ماده واحده لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی مصوب ۱۳۵۸/۶/۱۳ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران از شمول مقررات آن قانون مستثنی گردیده، جرائمی است که به مرحله انجام رسیده و منتهی به فوت مجذی علیه شده باشد، بنابراین جرائم و محکومیتهای کسانی که شروع به اجرای جرائم مذکور نموده و قصد ارتکابشان به واسطه موانع خارجی که اراده آنان در آنها مدخلیت نداشته معلق و بی اثر مانده و جنایت منظور واقع نشده است، در صورتیکه مشمول ماده واحده باشد جزء مستثنیات تبصره مذبور محسوب نموده و از تعقیب و مجازات معاف خواهد بود."

"این رأی بر طبق ماده واحده مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۵۹/۲/۱-۲۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

" مستند اعاده دادرسی که طبق ماده واحده از لایحه قانونی تجویز اعاده رسیدگی به اتهامات بعضی از محکومان دادگاه های نظامی مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۰ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران به عمل آمده است، صرفاً محدود به شقوق مواد ۲۷۹ از قانون دادرسی و کیفر ارتش و ماده ۲۳ از قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب سال ۱۳۵۶ نمی باشد و در صورتیکه به جهتی از جهات قانونی دادنامه قطعی صادره از محاکم نظامی که نسبت به ان استدعاى اعاده دادرسی شده مخدوش تشخیص گردد، قبول اعاده دادرسی بلا مانع است."

" این رأی مستندًا به ماده واحده از قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است".

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۵۹/۳/۲۸-۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

" حکم مقرر در ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی راجع به مراجعه خواهان به دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد و یا محل انجام تعهد، قاعده عمومی صلاحیت نسبی دادگاه محل اقامات خوانده را که در ماده ۲۱ قانون مذبور پیش بینی شده نفی نکرده بلکه از نظر ایجاد تسهیل در رسیدگی به دعاوی بازرگانی و هر دعوای راجع به اموال منقول که از عقود و قرارداد ناشی شده باشد انتخاب بین سه دادگاه را در اختیار خواهان گذاشته است."

" این رأی بر طبق ماده ۳ قانون الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

جمهوری اسلامی ایران
قوه قضائیه
دیوان عالی کشور
اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

شماره ردیف: ۱۳۵۹/۱۰/۲۰-۴/۵۸

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

" با توجه به عموم و اطلاق تبصره ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می دارد: در هر مورد که بعلت صدور یکی از قرارهای تأمین موضوع ماده مذکور متهم توقيف گردد و درامر جنائی تا چهارماه و در امر جنحه تا دو ماه درباره او کیفرخواست صادر نشود، مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است مگر اینکه جهات قانونی یا علل موجه برای بقای قرار تأمین وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مذکور قرار ابقاء می شود و متهم حق شکایت از این تصمیم خواهد داشت و نظر به اینکه آن قسمت از ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری که حق شکایت از توقيف ناشی از قرار وثیقه ای را که صدور آن قانوناً الزامی بوده سلب کرده است منحصراً ناظر به اولین قرار وثیقه ای است که متنه ب توقيف متهم شده است و مغایرتی با حکم مقرر در تبصره ماده ۱۲۹ که ناظر به ادامه توقيف متهم تا دو ماه در امر جنحه یا چهارماه در امر جنائی و عدم صدور کیفرخواست در مدتھای مذکور است ندارد، لذا رأی شعبه ۱۹ دادگاه جنحه تهران مبنی بر قبول شکایت متهم از ابقاء قرار تأمین موضوع تبصره ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری صحیح و موجه تشخیص می شود."

"این رأی طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری از طرف دادگاه ها لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



شماره رأی : (ر) ۳۴ - ۱۳۵۹/۱۲/۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق ماده ۱۰ قانون تعليق اجرای مجازات در صورتی که اجرای حکم مجازات کسی معلق و قطعی شده باشد و محکوم علیه از تاریخ صدور حکم تعليق در مدتی که از طرف دادگاه مقرر گردیده مرتکب بزهی شود که منتهی به محکومیت قطعی مؤثر او گردد تعليق اجرای مجازات از طرف دادگاه لغو می شود تا علاوه بر مجازات جرم اخیر کیفر معلق نیز درباره او اجرا گردد و نظریه اینکه حکم موضوع این ماده منصرف از موارد تعدد جرم است که ترتیب آن در صورتی که اجرای بعضی از محکومیتها معلق شده باشد در ماده ۱۶ قانون تعليق اجرای مجازات معین گردیده است، لذا مقررات بند ب ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی که ناظر به قواعد مربوط به تعدد جرم است در موارد مشمول ماده ۱۰ قانون تعليق اجرای مجازات قبل اعمال نخواهد بود و رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور با توجه به اینکه بزه ثانوی منتهی به صدور حکم محکومیت قطعی و مؤثر گردیده صحیح و موجه تشخیص می شود. این رأی به موجب ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً ذکرات و آراء هیأت عمومی



شماره ردیف: ۱۳۵۹/۱۲/۹-۲۴/۵۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"آثار محکومیت کیفری که شامل مجازاتهای تبعی نیز می باشد طبق ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی با تصویب قانون عفو عمومی زایل می گردد، بنابراین محکومیت های کیفری مربوط به قبل از تصویب لایحه قانونی عفو عمومی متمهمان و محکومان جزائی مصوب ۱۳۵۸/۲/۱۸ در صورتیکه بزه های موضوع این محکومیت ها از مستثنات مصربه در لایحه قانونی مذکور نباشد فاقد آثار کیفری بوده و در صورت ارتکاب بزه جدید از ناحیه محکوم علیه رعایت مقررات مربوط به تکرار جرم جائز نیست و رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که بر اساس این نظر صادر شده صحیح و موجه تشخیص می گردد."

"این رأی طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

شماره ردیف: ۱۳۵۹/۱۲/۹-۲۵/۵۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه در لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزائی مصوب ۱۳۵۸ از طرف قانونگذار عنوان عفو عمومی اختیار گردیده و علی الاصول کلیه کسانی که قبل از تاریخ تصویب لایحه قانونی مذکور مرتکب بزهی شده اند، جز در مواردی که صریحاً در قانون مستثنی گردیده مشمول عفو عمومی می باشند و نظر به اینکه وقتی متهمی که مورد تعقیب قرار گرفته یا محکوم گردیده از عفو عمومی استفاده می کند، منطبقاً متهمی که مورد تعقیب واقع نشده است نیز مشمول عفو عمومی خواهد بود، بنابراین هرگاه بزهی قبل از تاریخ تصویب لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزائی واقع شده و تعقیب مرتکب بعد از تاریخ مذکور در مراجع قضایی به عمل آمده باشد، در صورتیکه موضوع اتهام از موارد مستثنی در قانون نباشد مشمول عفو عمومی شمرده می شود و رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که بر مبنای این نظر صادر شده صحیح و موجه تشخیص می گردد."

"این رأی مطابق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأى ردیف : ۱۳۵۹/۱۲/۲۸-۲۶

بسمه تعالى

رأى وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه در ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی، مناط صلاحیت، تاریخ تقدیم دادخواست معین شده مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شود و نظر به اینکه در قانون تشکیل دادگاه های عمومی ترتیبی بر خلاف اصل مذکور پیش بینی نشده و تغییر عنوان دادگاه شهرستان به دادگاه عمومی تغییری در صلاحیت دادگاه نداده و اختیارات دادگاه های شهرستان عیناً به دادگاه های عمومی واگذار گردیده است، بنابراین رأى شماره ۱۵۲۲/۱۱/۶-۱۳۵۹ شعبه ششم دادگاه عمومی مشهد که مشعر بر صلاحیت دادگاه عمومی قوچان است منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود."

"این رأى بموجب قانون وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.".

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۶۰/۱/۱۵-۵۹/۲۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه مقتن بلحاظ حفظ حقوق محجورین و غایب مفقود الاثر و رعایت مصلحت آنها طبق قسمت اخیر ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی مقرر داشته است که در تقسیم ترکه اگر بین ورا، محجور یا غایب باشد، تقسیم به توسط نمایندگان آنها در دادگاه بعمل آید و با توجه به ماده ۳۲۶ همین قانون که بموجب آن مقررات قانون امور حسبی راجع به تقسیم ترکه در مورد تقسیم سایر اموال نیز ساری خواهد بود و نظر به اینکه ماده یک قانون افزار و فروش املاک مشاع که قانون عام است و بر طبق آن افزار املاکی که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته است در صلاحیت واحد ثبتی محل شناخته شده، علی الاصول ناسخ ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی که قانون خاص است نمی باشد، نظر شعبه پنجم دیوان عالی کشور که تقسیم املاک محجورین و غایب مفقود الاثر را از صلاحیت واحد ثبتی خارج دانسته و در صلاحیت دادگاه شناخته است صحیح و مطابق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً کرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۰/۱/۲۹-۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

" مطابق مواد ۱۲۱۶ و ۱۱۸۳ قانون مدنی، در صور تیکه صغیر باعث ضرر غیر شود خود ضامن و مسؤول جبران خسارت است، ولی او به علت عدم اهلیت صغیر نماینده قانونی وی می باشد، بنابراین جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه جزا به عهده شخص متهم صغیر است و محکوم به مالی از اموال خود او استیفا خواهد شد، بنابر این مذکور رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور از نظر توجه مسؤولیت جبران خسارت ناشی از جرم به شخص صغیر صحیح و منطبق با موازین قانونی است. "

" این رأی طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است. "

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۳ - ۱۳۶۰/۲/۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

" ماده ۶۷ مقررات استخدامی شرکتهای دولتی مصوب ۱۳۵۲/۳/۵ صراحة دارد که مستخدمین مشمول مقررات این قانون می‌توانند در مورد تضییع حقوق استخدامی خود به شورای سازمان امور اداری و استخدامی کشور شکایت کنند، قانون مذبور صریحاً شامل کارکنان سازمان مسکن نیز می‌شود. نظر به اینکه حق شکایت و تظلم کارمندان سابق سازمان مسکن که در تاریخ تصویب قانون نامبرده بطور کلی کادر دولتی نداشته و کارمندان دولت محسوب نمی‌شده اند یا بعلت دعاوى استخدامی کارمندی آنها در آن سازمان در تاریخ مذبور محرز نبوده است، در مورد تضییع حقوق استخدامی خود که بر اساس اشتغال آنها پیش از تاریخ مذکور در آن سازمان بوده به حال محفوظ است و مرجع رسیدگی به اینگونه شکایات نیز از تاریخ ۱۳۵۲/۳/۵ هیأت های رسیدگی به شکایات سازمان امور اداری و استخدامی کشور و از تاریخ اجرای لایحه قانونی اصلاح ماده ۶۰ قانون استخدام کشوری الغاء مواد ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ قانون مذکور مصوب خرداد ماه ۱۳۵۸ دادگاه هایی است که طبق قانون جانشین آن هیأت ها شده اند، بنابراین رأی شماره ۱۷۸-۴/۱۳۵۶ صادره از دادگاه عالی تجدید انتظامی قضات صحیح و منطبق با موازین قانونی و پیروی از مفاد آن با رعایت توضیحاتی که داده شده طبق ماده واحده وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۰/۳/۲ - ۵

بسمه تعالی

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"گرچه مطابق ماده یک مقررات استخدامی شرکتهای دولتی موضوع بند ب ماده ۲ قانون استخدام کشوری مصوب خرداد ماه سال ۱۳۵۲، از تاریخ اجرای قانون مذبور کارمندان شرکتهای فوق الاشعار منجمله سازمان مسکن مشمول قانون بالا می باشند، اما نظر به اینکه حکم مقید در ماده ۵۰ آیین نامه استخدامی سازمان مسکن که تا قبل از تصویب قانون فوق قابل اجراء بوده، برای کارمندان سازمان مذبور که قبل از تصویب قانون نامبرده اخراج شده اند ایجاد حق مکتب کرده است و با اجرای مقررات جدید حقوق مندرج در ماده نامبرده به قوت خود باقی است، بنابراین رأی صادره از شعبه ۶۹ دادگاه عمومی تهران مبنی بر اینکه اخراج کارمند شاکی باید بر اساس مدلول ماده ۵۰ آیین نامه فوق باشد صحیح و منطبق با موازین قانونی است."

"این رأی طبق ماده ۳ مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۶-۱۲/۳/۱۳۶۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه مرجع تظلمات عمومی دادگستری است، فلذا بجز آنچه که در قانون مستثنی شده، انواع مختلفه دعاوى از جمله دعاوى مربوط به اسناد رسمي و قبوض اقساطی لازم الاجراء در دادگاه های دادگستری قابل استماع و رسیدگی است و حکم ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد و املاک مبنی بر اینکه مدلول کلیه اسناد رسمي راجع به دیون و سایر اموال منقول بدون احتیاج حکمی از محاکم دادگستری لازم الاجرا است، منافات و مغایرتی با حق و اختیار اقامه دعواى در دادگاه های دادگستری ندارد و لازم الاجرا بودن اسناد مذبور مزیتی است که در قانون برای چنین اسنادی در نظر گرفته شده است تا صاحبان حق بتوانند از هر طریقی که مصلحت و مقتضی میدانند برای احقاق حق خود اقدام نمایند، بنابراین رأی شعبه نهم دادگاه صلح تهران که بر وفق نظر فوق صادر گردیده صحیح و مطابق موازین قانونی است."

"این رأی بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۸-۳۰/۳-۱۳۶۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"چون بر طبق ماده ۱۲ آیین نامه دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب مصوب تیرماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی ایران از جمله مجازات‌هایی که بر طبق حدود شرع اسلام مقرر شده ضبط اموالی که از راه غیر مشروع بدست آمده پس از تسویه دیون خواهد بود و با توجه به لایحه قانونی اساسنامه بنیاد مستضعفان مصوب تیرماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و اینکه به مستتبط از تبصره ذیل بند ۳ ماده دوم آن لایحه که قبول هر مال یا واحد اقتصادی یا سهام شرکتها را از طرف بنیاد متوقف بر آن دانسته که پس از حسابرسی از طریقه‌های اطمینان بخش احراز شود که قبول آنها در صلاح مستضعفان و در جهت اهداف بنیاد حسابرسی و رسیدگی دقیق نسبت به مطالبات و دیون محکومینی است که دستور ضبط اموال آنان داده شده، فلذ استماع و رسیدگی نسبت به دعاوی راجع به دیون چنین محکومینی بطریقت بنیاد مستضعفان بلا اشکال بنظر می‌رسد، بنابراین رأی شعبه ۲۰ دادگاه صلح تهران که بر مبنای نظر فوق صادر گردیده صحیح و منطبق با موازین تشخیص می‌گردد."

"این رأی بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۰/۶-۲۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

" عبارت (نصب قیم) در بند ۳ از ماده ۳ لایحه قانون دادگاه مدنی خاص ناظر به مواردی است که مطابق قوانین مدنی و امور حسبي دادگاه ها موظفند برای صغار نصب قیم نمایند و عبارت مذکور به هیچ وجه شامل موضوع سرپرستي مذکور در قانون حمایت کودکان بدون سرپرست مصوب اسفند ماه ۱۳۵۳ که از حیث نحوه سرپرستي و شرایط بکلی با مفهوم قیmomیت و مختصات آن متفاوت است نمی باشد، علیهذا نظر شعبه نهم دیوان عالی کشور که مشعر به صلاحیت دادگاه عمومی است موجه و منطبق با موازین قانونی تشخیص و تأیید می شود."

" این رأی مطابق قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۰/۶-۲۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

" مستنبط از مقررات مواد ۵۳۱، ۴۹۶ و ۵۳۴ اصلاحی قانون آیین دادرسی مدنی این است که قانون گزار سابقه ابلاغ در مرحله بدوي دادرسی را برای ابلاغ دادخواست های پژوهشی و فرجامی کافی ندانسته و مقتضی دانسته است که در هریک از مراحل دادرسی نشانی اقامتگاه طرف دعوی تعیین شود و از همین نظر است که قانون گزار پژوهشخواه و فرجامخواه را مکلف به تعیین محل اقامت پژوهشخوانده و فرجامخوانده کرده و عدم انجام این تکلیف را در ظرف مدت معین از موارد صدور قرار رد دادخواست های پژوهشی و فرجامی قرار داده است، بنا به مراتب مذبور دادنامه ۲۰۹ - ۱۳۵۶/۳/۲ شعبه دوم دادگاه شهرستان تهران صحیح و مطابق با موازین قانونی است."

"این رأی بر مبنای ماده سوم از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب یکم مرداد ۱۳۳۷ و در جلسه مورخ ۶/۴/۱۳۶۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور صادر گردیده و از طرف دادگاه ها باید در مورد مشابه پیروی شود."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۰/۸/۳۰-۳۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه نفقة زن و اولاد واجب النفقة که زندگی مشترک دارند معمولاً یکجا و بدون تفکیک سهم هریک از آنان پرداخته می شود ترک انفاق زن و فرزندان ناحیه شوهر در چنین حالت ترک فعل واحد محسوب و مستلزم رعایت ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی است و آثار و نتایج متعدد فعل واحد موجب اعمال مقررات مربوط به تعدد جرم نخواهد بود. بنابراین رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که بر مبنای این نظر صادر شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است."

"این رأی به موجب ماده واحد قانون مربوط به وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۰/۹/۱۰-۳۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به اینکه بند یک ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی صرفاً اعمال مقررات مربوط به تکرار و تعدد جرم را از لحاظ تشدید کیفر درباره اطفال بزهکار منع کرده و تسری به تعیین کیفر متعدد برای جرائم مختلف ندارد، لذا تعیین مجازات قانونی برای هریک از جرائم متعدد اطفال بدون رعایت تشدید کیفر و به موقع اجرا گذاردن مجازات قطعی شده است، موافق موازین قانونی تشخیص می گردد و رأی شعبه هشتم دیوان عالی کشور که بر این اساس صدور یافته صحیح است."

"این رأی بموجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۶۰/۹/۱۶-۳۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"نظر به ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری که به موجب آن هرگاه نوع کار و وظایف بعضی از مشاغل وزارت خانه ها و مؤسسات دولتی اقتضا کند که مبالغی علاوه بر حقوق به مستخدمین رسمی شاغل پرداخت شود مبلغی بعنوان فوق العاده شغل به شاغلین مشاغل مزبور پرداخت خواهد شد و تعیین مشاغل یاد شده و میزان فوق العاده آنها به پیشنهاد سازمان امور اداری و استخدامی کشور و تصویب هیأت وزیران صورت خواهد گرفت و نظر به اینکه هیأت وزیران در اجرای ماده مزبور به موجب تصویب‌نامه شماره ۴۸۱۰-۱۳۵۶/۳/۲ فوق العاده فنی بایگانی را جزو فهرست انواع مزایای مستمر منظور کرده است و نظر به صراحت ماده ۴۳ قانون استخدام کشوری به اینکه وزارت خانه و مؤسسات نمی توانند غیر از حقوق و مزایای پست سازمانی مورد تصدی و فوق العاده ها و هزینه ها و پاداش مندرج در فصل حقوق و مزایای مستخدمین رسمی تحت هیچ عنوان وجهی به مستخدمین خود پرداخت کنند، رأی شماره ۵۶۰-۱۳۵۷/۹/۱ هیأت تجدیدنظر رسیدگی به شکایات استخدامی مبنی بر رد شکایت کارمند صحیح و مطابق با موازین قانونی است."

"این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاتّباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۰/۹/۲۳-۳۷

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستنبط از تبصره یک ماده ۶۴ لایحه قانونی نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۳ این است که در مورد جرائم و تخلفات مندرج در لایحه قانونی مذکور و آیین نامه های اجرائی آن طبق قواعد کلی مربوط به صلاحیت، باید به جرائم جنحه ای در دادگاه های عمومی و به امور خلافی در دادگاه های صلح رسیدگی شود و از ماده ۶۴ مذکور و تبصره های آن اجازه رسیدگی به جرائم جنحه ای در دادگاه بخش مستقل استفاده نمی شود. مضافاً اینکه در لایحه قانونی انحلال دادگاه های نظام صنفی و عفو متخلوفین از مقررات قانون نظام صنفی، رسیدگی به جرائم مربوط به مقررات نظام صنفی صریحاً به دادگاه های جنحه محول گردیده است، بنابراین رأی شعبه سوم دادگاه استان آذربایجان شرقی در آن قسمت که به عدم صلاحیت دادگاه بخش مستقل در رسیدگی به جرائم جنحه ای مربوط به مقررات نظام صنفی اظهار نظر کرده است موجہ و منطبق با قانون تشخیص می گردد.

این رأی طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به آیین دادرسی کیفری برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۶۰/۱۰/۲۸-۳۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

" با توجه به تبصره ماده ۳ قانون مربوط به امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب خرداد ماه ۱۳۳۴ که در آن صراحةً دارد به اینکه بهداری می‌تواند در صورتیکه لازم بداند طبق مقرراتی که از طرف وزارتین بهداری و فرهنگ و با تصویب هیأت وزیران وضع خواهد شد بر طبق تبصره مذبور عمل نماید، فلذاً در صورت انجام مقدمات و حصول شرایط مقرر در تبصره، وزارت بهداری مخیر در اقدام و عمل به آن بوده است و با توجه به کارت کمک داروسازی درجه یک خواهانها که حاکی است چون نامبردها از عهده امتحانات مقرر برآمده اند کارت مذبور به آنان داده می‌شود تا با عنوان کمک داروسازی درجه یک در داروخانه‌ای که دارای مسؤول مجاز قانونی است کارهای مربوطه به کمک داروسازی را انجام دهند و به هیچ وجه مستقلًا حق اداره کردن داروخانه را نخواهند داشت و در کارت های مذبور قید و اشاره ای به تبصره ماده ۳ و اعمال شرایط مقرر در آن نشده و در قوانین و آیین نامه‌های مربوطه هم وظایف و اختیارات کمک داروسازان درجه یک معلوم و مشخص گردیده و از مجموع مقررات مذبور این معنی استنتاج نمی‌شود که دارندگان چنین کارتهایی حق اداره کردن داروخانه را بدون دخالت مدیر مسؤول مطلقًا داشته باشند، بنابراین رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور که متنضم‌همین معنی است نتیجتاً مورد تأیید است."

" این رأی بر طبق ماده واحد قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۰/۱۱/۱۲-۳۹

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه قانونگذار به موجب مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ قانون شکار و صید مصوب خرداد ۱۳۴۶، ارتکاب اعمالی از قبیل شکار و صید در فصول و ساعت‌های ممنوعه و با وسایل و طریق ممنوعه و شکار کردن بدون پروانه و آلوده کردن آبها به موادی که آبزیان را نابود کند و صید و یا از بین بردن حیوانات قابل شکار با استفاده از مواد منفجره و جز اینها را جرم شناخته است و به موجب ماده ۱۴ همین قانون درباره وسایل شکار حکم خاص باین بیان انشاء کرده است ((وسایل شکار و صید از قبیل تفنگ و فشنگ و نورافکن و تور و قلاب ماهیگیری و امثال آن که مرتکبین اعمال مذکور در مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ همراه دارند ضبط و فوراً با گزارش امر تحويل مقامات صالحه می‌شود و این وسایل تا خاتمه رسیدگی و صدور حکم قطعی زیر نظر سازمان نگهداری خواهد شد. دادگاه ضمن صدور حکم نسبت به اموال مذبور تعیین تکلیف می‌کند.)) مستفاد از قسمت اخیر ماده مذبور این است که دادگاه در صورت صدور حکم مجازات متهم بر طبق مواد یاد شده در مورد وسایل صید و شکار با عنایت بنحوه عمل ارتکابی و نوع وسیله‌ای که بکار رفته و کیفیت و کمیت صید و ساقه متهم و سایر اوضاع و احوال خاص قضیه، با ذکر دلیل تصمیم مقتضی مبنی بر ضبط وسیله شکار و یا رد آن به متهم اتخاذ نماید.

این رأی به موجب ماده ۲ ملحقه به آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۰/۱۱/۱۹-۴۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"هرچند بر طبق ماده ۹ لایحه قانونی رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، به سازمان های آب و برق این اختیار داده شده که اگر در مسیر و حریم خطوط انتقال و توزیع نیروی برق و حریم کانالها و انهار آبیاری، احداث ساختمان یا درختکاری و هرنوع تصرف خلاف مقررات شده یا بشود، بر حسب مورد با اعطای مهلت مناسب با حضور نماینده دادستان مستحدثات غیرمجاز را قلع و قمع و رفع تجاوز نمایند، ولی با لحاظ اینکه دادگستری مرجع تظلمات عمومی است این اختیار حق سازمان های آب و برق را برای اقامه دعوی در دادگاه نسبت به موارد مذکور سلب نمی نماید، بنابراین رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور صحیح و موافق قانون تشخیص می شود."

"این رأی بر طبق ماده واحد قانون مربوط به وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است."

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً کرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۱/۲/۱۳-۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بموجب ماده یک قانون اصلاح قانون انحصار دخانیات مصوب سال ۱۳۱۰، خرید و فروش و نگاهداری اجناس دخانیه و از جمله سیگار، در انحصار دولت قرار گرفته و با توجه به ماده ۲۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، ارتکاب اعمال مذبور از طرف اشخاص بدون دخالت و اجازه دولت در هر نقطه کشور اعم از اینکه مرتکب وارد کننده بوده یا خیر و محل کشف داخل مملکت یا در نقاط مرزی باشد قاچاق محسوب و مرتکب به صراحت ماده مذکور قابل مجازات است و به فرض وجود اشبه و نظائر سیگارهای خارجی در بازار، این امر رافع مسؤولیت جزائی مرتکب نخواهد بود و بنابراین رأی شماره ۱۳۵۹/۶/۲۲-۲/۱۱۹۹ شعبه دوم دیوان عالی کشور صحیح و مطابق با موازین قانونی و موجه بوده و تأیید می شود.

این رأی طبق قانون وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۱/۲/۲۷-۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی، عموم اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی بطور کلی موظف به پرداخت هزینه دادرسی هستند و معافیت از تأديه هزینه دادرسی امری است استثنایی و مخالف با اصل و قاعده کلی مذکور است، نظر به اینکه در موارد خلاف اصل بایستی به قدر متیقن از مؤدای مواد اکتفا شود واز تعییر موسع که مستلزم مشمول حکم به غیر موارد منصوص است خودداری گردد، بنابراین قسمت اخیر ماده ۶۹۰ آیین دادرسی مدنی انحصاراً ناظر به موردی که دستگاههای دولتی به اعتبار شخصیت حقوقی دولت طرح دعوی کنند و شرکتهای وابسته به دولت که دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و بودجه ای جدا از بودجه عمومی دارند بر طبق قاعده کلی موظف به پرداخت هزینه دادرسی هستند، علیهذا رأی شعبه سوم دادگاه عمومی تهران که مشعر است بر الزام شرکت بر ق منطقه ای به پرداخت هزینه دادرسی، موجه و منطبق با موازین قانونی می باشد.

این رأی به موجب ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب خرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۱/۲/۲۷-۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به صراحت تبصره ماده واحده تقلیل اجاره بهای واحدهای مسکونی مصوب آبان ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، منظور این است که اگر مؤجرین و مستأجرين خانه های مسکونی بعد از تاریخ ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ نسبت به مال الاجاره توافقی کرده باشند و میزان آن را از رقم مندرج در اسناد رسمی یا عادی یا میزانی که قبل از طرفین به طور شفاهی مقرر یا عمل شده است تقلیل داده باشند، این توافق برای مؤجر و مستأجر معتبر خواهد بود مگر آنکه مستأجر نسبت به آن اعتراض داشته باشد که در این صورت می تواند میزان اجاره بها را از مبلغ قید شده در اسناد رسمی و عادی و توافق هایی که قبل از تاریخ ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ نسبت به مال الاجاره بعمل آمده است تا ۲۰ درصد کاهش دهد نه آنکه این درصد از میزان اجاره بهائی که بعد از تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ مورد توافق طرفین قرار گرفته قابل کسر باشد، بنابراین رأی شعبه ۱۱ دادگاه صلح تهران که بر همین مبنای صادر گردیده صحیح و موافق موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۱/۳/۲۴-۱۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند یک ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر داشته: دعاوی راجع به دولت خارج از صلاحیت دادگاه بخش است، اگرچه خواسته در حدود نصاب آن باشد، شامل بانک‌های ملی شده که اصولاً اعمال تجاری انجام داده و جنبه انتفاعی و تخصصی دارند و طرز اداره آنها بر طبق قانون ملی شدن بانک‌ها مصوب خرداد ۱۳۵۸ و لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها مصوب خرداد ۱۳۵۸ و لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها مصوب مهر ۱۳۵۸ و لایحه قانونی متمم لایحه قانونی اخیر الذکر مصوب آذرماه ۱۳۵۸ تعیین گردیده نبوده و به دعاوی مربوط به آنها در دادگاه‌های حقوقی طبق اصول کلی رسیدگی می‌شود، بنابراین رأی شعبه سوم دیوان عالی کشور که متضمن این معنی است نتیجتاً مورد تأیید است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شمرنگارات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۱/۹/۲۸-۱۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه در مورد شخص معتاد به مواد مخدر که توسط مأموران دستگیر یا بوسیله خویشاوندان و همسایگان معرفی می شود، بصراحت ماده ۸ لایحه قانونی تشدييد مجازات مرتکبين جرائم مواد مخدر مصوب ۱۳۵۹/۳/۱۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، تعقیب کیفری موكول به این است که متهم ولگرد باشد و اعتیاد او مورد تأیید پزشکی قانونی قرار بگیرد و در صورتی که ولگرد بودن معتاد محقق نباشد تعقیب کیفری او مخالف صریح این ماده خواهد بود و نظر به اینکه در ماده ۲۰ لایحه قانونی مذکور مجازات خاصی پیش بینی نشده است، چنین استنباط می شود که این ماده منحصرآ ناظر به معتادان ولگرد موضوع ماده ۸ لایحه قانونی یاد شده است، بنابراین رأی شعبه اول دادگاه استان همدان که موافق این نظر صادر شده صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی طبق ماده ۳ الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتبع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۱/۱۰/۲۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تصمیم متخذه از طرف شورای تأمین استان سیستان و بلوچستان دلالت دارد که ورود کالاهای مصرح در تصمیم مذبور که از جمله شامل مواد غذایی ضروری و غیر تفننی است جهت رفاه حال مرز نشینان منطقه مجاز اعلام گردیده است و نامه سرپرست گمرک کنارک و اداره کل بازارگانی استان هم مؤید تصمیم مذبور بوده و مخصوصاً در نامه اداره گمرک تصریح شده که ورود مواد غذایی از طرف شورای تأمین استان مجاز اعلام و بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی ترخیص می گردد و اجناس مذبور در مقابل گمرک تخلیه و با نظارت مأمورین انتظامی مرخص گردیده است که چون بر طبق مندرجات پرونده ها اجناس مورد بحث که عبارت از آب پرتقال و آب آناناس و رب گوجه فرنگی می باشد به استناد اجازه شورای تأمین وارد و مورد معامله واقع شده است، ولو اینکه تصمیم مذبور بر خلاف مقررات گمرکی باشد وارد کنندگان و دارندگان کالاهای نامبرده را که عمل آنان مبتنی بر اجازه مقامات محلی بوده و بدون سوء نیت انجام شده نمی توان به عنوان ارتکاب قاچاق قابل تعقیب و مجازات دانست و لذا رأی شعبه هفتم دیوان عالی کشور که مشعر بر این معنی است منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی مطابق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۱/۱۱/۹-۲۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون بنا به مستنبط از بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب مهرماه ۱۳۵۸، دعاوی راجع به اصل وقفیت در صلاحیت دادگاه مدنی خاص است، فلذًا در مورد بحث که اصل وقفیت قطعه زمین مورد تقاضای ثبت محل نزاع می باشد، دادگاه مدنی خاص صالح به رسیدگی است و رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور صحیح و موافق موازین قانونی صادر شده است.

این رأی بر طبق قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۱/۱۱/۳۰-۲۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون پس از اجرای قانون اوزان و مقیاس‌ها مصوب ۱۳۱۱/۱۰/۱۸ و آیین نامه مربوطه، نگهداری و اوزان و مقیاس‌های تقلیلی فاقد انگ از طرف تجار و کسبه و داد و ستد با آنها بر طبق ماده ۴ قانون مذبور جرم محسوب و قابل مجازات است. بنابراین رأی صادره از شعبه ۱۱ دادگاه شهرستان اصفهان که بر این اساس صدور یافته صحیح است و بر وفق قانون شناخته می شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۱/۱۱/۳۰-۳۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بنا به مستنبط از ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی که عیناً نقل می شود: ((هرگاه دادرس را قبول کرد یا خود امتناع از رسیدگی نمود پرونده به شعبه دیگر همان دادگاه ارجاع و اگر شعبه دیگری نباشد به کارمند علی البدل و اگر کارمند علی البدل نباشد به نزد بکترین دادگاه رجوع می شود)) در مورد بحث رأی شعبه دوم دادگاه عمومی رشت که با اعلام صلاحیت دادگاه لنگرود حل اختلاف نموده است، صحیح و مطابق موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده سوم از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۱/۱۲/۱۶-۳۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه بصراحة مندرجات ماده ۱۰ قانون صدور چک، منظور از دارنده چک در آن ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است، لذا چنانچه بانک مرجع ایه پس از دریافت چک از مشتری آنرا برای وصول به بانک دیگری ارسال نماید و بانک اخیر الذکر گواهی برگشت را به نام بانک اول صادر کند این امر نمی تواند موجب سلب حق شکایت کیفری از کسی که برای نخستین بار چک را به بانک ارائه داده است گردد. مضافاً به اینکه با توجه به نحوه فعالیت بانکها و رویه معمول آن مؤسسات و وظایف آنها، تردیدی نیست که بانکها معمولاً به عنوان نمایندگی از ابراز کننده چک نسبت به وصول وجه آن از بانک دیگر اقدام می نمایند و در مواردی هم که چک متعلق به خود بانک بوده و اصالتاً نسبت به وصول وجه آن اقدام می نمایند هیچگاه گواهی برگشت و چک متعلق به خود را به اشخاص دیگر تسلیم نمی نمایند. بنابر این مذبور در مواردی که بانکها از طرف دارنده چک مأمور وصول و ایصال وجه چکها می باشند، این نمایندگی نیاز به تصریح ندارد و لذا رأی شعبه پنجم دادگاه استان خراسان صحیح است.

این رأی به موجب ماده ۳ قانون الحاقی به قانون آینین دادرسی کیفری در جلسه مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۶۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور صادر شده و در موارد مشابه برای کلیه دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً کرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۱/۱۲/۱۶-۳۲

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اتهام ایراد جرح با کارد، با توجه به وحدت ملاک، از مصاديق بارز مفاد بند ج ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوب سال ۱۳۴۴ می باشد، از این حیث دادنامه شماره ۱۱۹-۶۱ شعبه اول دادگاه شهرستان ملایر موجه و مدلل است.

این رأی مستندًا به ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب تیرماه سال ۱۳۳۷ از طرف دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور